



## The Realm of Political System Structure in the Quran \*

Mohammad Murad Khanbaba,<sup>۱</sup> Mohammad Faker Maybudi<sup>۲</sup> and Ali Sheerkhani<sup>۳</sup>

### Abstract



The realm of political system structure in the Quran is analyzed from two perspectives: the internal aspect, which involves the viewpoints of Shiite scholars and jurists regarding the internal realm of the political system structure. This perspective spans a spectrum from minimalistic to maximalistic interpretations. Accordingly, the realm of divine and absolute governance encompasses both the public and private domains. However, the realm of non-divine governance (the Guardianship of the Jurist during the Occultation period) is limited to the public sphere and political matters. The second perspective pertains to the external realm, determining the external scope of the political system structure. This is dependent on a correct analysis of principles such as the comprehensive Islamic worldview, the responsibility of every Muslim for the destiny of other Muslims, the influence of the political system on human destiny, and the semantic understanding of the term 'ard' (land) in Quranic verses. Through inferential thematic interpretation based on Quranic verses, this study concludes that the external realm of the political system structure in the Quran encompasses the entire world, as the practical implementation of religious laws necessitates a global government with worldwide jurisdiction. However, until the full realization of the global government, the allocation of territory to a nation or country is recognized in Quranic verses as an acknowledgment of the earthly sovereignty of nations.

**Keywords:** Realm, Structure, Political System, Quran.

---

\*. **Date of Receiving:** ۸ January ۲۰۲۳, **Date of Approving:** ۵ May ۲۰۲۳.

۱. Graduated with a Ph.D. in Quran and Sciences, majoring in Political Science, Al-Mustafa P.S. Al-Alamiya University, [Corresponding Author]; (mm\_khanbaba@yahoo.com).

۲. Full Professor of Quran and Hadith at Al-Mustafa International University: (m\_faker@miu.ac.ir).

۳. Associate Professor of Political Science at the Qom Campus, Islamic Azad University: (rooz۱۳۵۷@gmail.com).



## قلمرو ساختار نظام سیاسی در قرآن\*

محمد مراد خان بابا<sup>۱</sup> و محمد فاکر میبیدی<sup>۲</sup> و علی شیرخانی<sup>۳</sup>



### چکیده

قلمرو ساختار نظام سیاسی از منظر قرآن کریم از دو زاویه مورد تحلیل قرار می‌گیرد؛ یکی از حیث داخلی که در این باره اقوال اندیشمندان و فقه‌های شیعه درباره قلمرو داخلی ساختار نظام سیاسی متفاوت است و از طیف نگاه حداقلی و حداکثری برخوردار است. از این روی قلمرو حکومت‌های معصومانه عام و مطلق است و حوزه حریم خصوصی را نیز شامل می‌شود؛ اما قلمرو حکومت‌های غیرمعصومانه (ولایت فقیه در عصر غیبت) صرفاً در حوزه عمومی و مسایل سیاسی است؛ و دیگری از حیث قلمرو خارجی، تعیین قلمرو خارجی ساختار نظام سیاسی وابسته به تحلیل درست از اصولی همانند: جهان شمولی اسلام، مسئول بودن هر مسلمان نسبت به سرنوشت دیگر مسلمانان و تأثیر نظام سیاسی در سرنوشت انسان و همچنین مفهوم شناسی واژه «ارض» در آیات قرآن است. در این پژوهش با استفاده از روش تفسیر موضوعی استنباطی با استناد به آیات قرآن می‌توان این نتیجه را گرفت که قلمرو خارجی ساختار نظام سیاسی در قرآن به وسعت جهان است؛ زیرا لازمه اجرایی شدن احکام دین، حکومت جهانی و جهان شمول بودن قلمرو ساختار نظام سیاسی است؛ البته تا تحقق کامل حکومت جهانی، اختصاص دادن سرزمین به ملتی و یا کشوری، در آیات قرآن، دلیل این حقیقت است که قرآن کریم حاکمیت ارضی کشورها را نیز به رسمیت می‌شناسد.

واژگان کلیدی: قلمرو، ساختار، نظام سیاسی و قرآن.

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۸ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۳/۱۵.

۱. دانش آموخته دکتری قرآن و علوم، گرایش علوم سیاسی جامعة المصطفی ص العالمیه قم، ایران؛ «نویسنده مسئول»؛ (mm\_khanbaba@yahoo.com).

۲. استاد تمام قرآن و حدیث جامعه المصطفی قم، ایران؛ (m\_faker@miu.ac.ir).

۳. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد واحد قم، ایران؛ (rooz۱۳۵۷@gmail.com).



## مقدمه

در جغرافیای سیاسی مراد از قلمرو یا همان سرزمین بخش جدایی ناپذیر ساختار کشورها در قوانین بین‌المللی است که مدعی مالکیت و حق اعمال حاکمیت بر آن را دارد (کاوایانی‌راد، «پردازش مفهوم قلمرو از دیدگاه جامعه‌شناسی»، ۱۳۹۲: ۴۳). بر اساس این نگاه، قلمرو عبارت است از سرزمینی (اعم از زیرزمین، آب‌های داخلی و هم‌مرز، فضای هوایی و برخی منابع دریایی نزدیک سواحل این سرزمین) که حکومت‌ها نسبت به آن مالکیت داشته و اعمال حاکمیت می‌کنند؛ اما به نظر می‌رسد، مفهوم قلمرو در ساختار نظام سیاسی خیلی وسیع‌تر از مفهوم سرزمینی آن است. درواقع در جغرافیای سیاسی سه مفهوم سرزمین، مرز و حاکمیت برای شکل‌دهی به قلمرو، رابطه تنگاتنگی دارند. ازاین‌رو «قلمرو فضای متأثر از قدرت، سلطه و مالکیت است.» (Glassner, Political Geography, ۱۹۹۳, p۱۲۰). این سه‌گانه‌ها شبکه‌ای را به وجود می‌آورند که مفهوم قلمرو ساختار نظام سیاسی را مشخص می‌کنند. به عبارت دیگر قلمرو ساختار صرفاً منحصر به بحث سرزمین نمی‌شود؛ بلکه محدوده سلطه، نفوذ و قدرت حاکمیت نظام را می‌رساند. و ممکن است سرزمینی باشد یا فراسرزمینی و یا اینکه عامل دیگری مثل عقیده باشد. بنابراین قلمرو علاوه بر سرزمین ابعاد دیگری نیز دارد که در محدوده اعمال حاکمیت نظام سیاسی متأثر خواهد بود.

با در نظر گرفتن مفهوم لغوی و اصطلاحی در جغرافیای سیاسی، منظور از قلمرو در این تحقیق عبارت است از: محدوده نفوذ و حاکمیت نظام سیاسی. بنابراین در این پژوهش به این سوال پاسخ داده خواهد شد که از نظر آموزه‌های قرآنی محدوده قلمرو ساختار نظام سیاسی تا کجا خواهد بود؟ آیا محدود به سرزمین است یا عوامل دیگری هم در آن دخیل خواهد بود؟

باتوجه به این مقدمه، قلمرو ساختار نظام سیاسی را می‌توان به دوگونه ترسیم کرد؛ یکی قلمرو داخلی و دیگری قلمرو خارجی. منظور از قلمرو داخلی ساختار نظام سیاسی، این است که محدوده نفوذ و اعمال حاکمیت در مورد مردم جامعه اسلامی چگونه است. به عبارت دیگر اختیارات حاکمیتی نظام سیاسی در مورد شهروندان و امت اسلامی تا چه اندازه‌ای است؟ آیا نظام سیاسی و دولت اسلامی می‌تواند در همه عرصه‌های زندگی مردم، چه فردی و چه اجتماعی، مداخله کند؟ یا حوزه‌های خصوصی از این محدوده خارج است؟

منظور از قلمرو خارجی این است که محدوده کاربرد قدرت تابع چه عواملی است؟ آیا قدرت ساختار نظام سیاسی محدود به مرزهای زبانی، قومیتی، جغرافیایی یا مرزهای عقیدتی است؟ و یا می‌تواند ترکیبی از اینها باشد. در پاسخ به این سؤالات در ابتدا نظریه‌های مختلف درباره قلمرو ساختار نظام سیاسی اسلام مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد؛ سپس دیدگاه قرآن در این زمینه مورد واکاوی قرار گرفته و نظریه مختار ارائه خواهد شد.

## ۱. قلمرو داخلی

در آموزه‌های قرآن، اولاً حاکمیت نظام سیاسی از جانب شارع مقدس تجویز شده و حاکم اسلامی منصوب وی است. ثانیاً حکومت، مجری احکام الهی است. مهمترین بحث در قلمرو ساختار نظام سیاسی در حوزه داخلی صرف نظر از تفاوت ولایت معصوم با فقیه در عصر غیبت بر می‌گردد به قلمرو ساختار در امور حکومتی و اداره جامعه که از این حیث تفاوتی بین آنها وجود ندارد.

### ۱-۲. قلمرو داخلی در آیات قرآن کریم

باتوجه به آموزه‌های قرآنی اعمال ولایت علاوه بر تکالیف الهی، نیاز به تصمیمات ویژه‌ای دارد که در فقه اسلام با عنوان «احکام حکومتی» شناخته می‌شود که در ادامه به بررسی این موضوع می‌پردازیم.

#### ۱-۲-۱. احکام حکومتی

احکام حکومتی به آن دسته از احکامی گفته می‌شود که علاوه بر مقررات و تکالیف الهی، از سوی حاکم اسلامی برای اداره جامعه وضع می‌گردد.

علامه طباطبایی در تعریف احکام حکومتی می‌نویسد: «احکام حکومتی، تصمیماتی است که ولی امر در سایه قوانین شریعت و رعایت موافقت آنها به حسب مصلحت زمان اتخاذ می‌کند و طبق آنها مقرراتی وضع می‌شود که همانند شریعت لازم‌الاجرا و داری اعتبار هستند. با این تفاوت که قوانین آسمانی ثابت و غیرقابل تغییر هستند؛ ولی احکام حکومتی قابل تغییر هستند» (طباطبایی و دیگران، بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، ۱۳۹۷، ۸۳-۸۵).

به نص قرآن کریم، این منصب برای پیامبر اسلام ﷺ ثابت شده است. برای نمونه برخی از آیاتی که بر آن دلالت دارد بیان می‌شود:

۱. «التَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ» (احزاب/۶)؛ «پیغمبر اولی و سزاوارتر به مؤمنان است از خود آنها.»

۲. «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (حشر/۷)؛ «و شما آنچه رسول حق دستور دهد (و منع یا عطا کند) بگیرید و هر چه نهی کند واگذارید.»

بر اساس این دو آیه شریفه، مؤمنان باید حکم و اراده او را مقدم بر اراده خود بدانند و از جان و مال در اطاعتش مضایقه نکنند.

همین منصب هم به حکم آیات زیر برای ائمه اطهار علیهم السلام ثابت است.





۳. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ (نساء/۵۹): «ای اهل ایمان، فرمان خدا و رسول و فرمانداران (از طرف خدا و رسول) که از خود شما هستند اطاعت کنید.»  
در این آیه اطاعت از اولی الامر که همان ائمه اطهار علیهم السلام هستند، در طول اطاعت خدا و رسول قرار گرفته است. این به معنای جعل منصب ولایت برای آنها است. و خداوند در آیه ولایت با توجه به شان نزول آن به ولایت امام علی علیه السلام حکم می کند.

۴. آیه ولایت «انما ولیکم الله ورسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة ویؤتون الزکاة وهُم راکعون» (مائده/۵۵)؛ «ولی امر و یاور شما تنها خدا و رسول و مؤمنانی خواهند بود که نماز به پا داشته و به فقرا در حال رکوع زکات می دهند» د. مراد از این آیه به اتفاق مفسران علی علیه السلام است.

نمونه های تاریخی بیانگر این است که پیامبر اسلام به عنوان حاکم اسلامی علاوه بر ابلاغ احکام الهی دو نوع تصمیم دیگری هم اتخاذ می کرده اند؛ یکی تأسیس مؤسسات (مسجد مدینه) (کلینی، الکافی ۱۳۶۵: ۱/ ۲۸۶) و نوشتن پیمان نامه ها مثل: پیمان برادری بین مهاجر و انصار (العاملی، الصحيح من سيرة النبي الاعظم علیه السلام، ۱۳۸۵: ۷۷-۹۲) و نوع دیگر صدور احکام حکومتی همانند:

۱. صدور فرمان تبعید حکم بن عاص به طائف (مجلسی، بحار الانوار، ۱۳۶۸: ۳۰/ ۱۹)؛
  ۲. صدور حکم به کندن نخل سمرة بن جندب توسط مرد انصاری (کلینی، الکافی، ۱۳۶۵: ۵/ ۲۹۲)؛
  ۳. صدور فرمان به تخریب مسجد ضرار (قمی، تفسیر القمی، ۱۴۰۴: ۳۰۵)؛
- سایر ائمه با اینکه زیاد بسط ید نداشته و فاقد حکومت ظاهری نبودند، گاهی از این اختیار استفاده می کردند همانند: روایت موثقه عمار از امام صادق علیه السلام که ازدواج موقت را برای عمار و سلیمان بن خالد تا وقتی که در مدینه بودند، حرام کرد (کلینی، الکافی، ۱۳۶۵: ۵/ ۴۶۷).
- از نمونه هایی که بیان شد می توان این گونه استدلال کرد که احکام حکومتی می تواند جنبه عمومی داشته باشد یا موردی باشد.

در عصر غیبت و عدم حضور معصوم علیه السلام چنین حقی برای کسی که متولی امور مسلمین است؛ یعنی ولی فقیه نیز ثابت است؛ چون اداره جامعه بدون در نظر گرفتن چنین حقی برای حاکم اسلامی امکان پذیر نیست.

## ۲-۱. حریم خصوصی

یکی دیگر از مباحثی که در حوزه قلمرو داخلی ساختار نظام سیاسی باید مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد، حریم خصوصی است. با مراجعه به آموزه های قرآن کریم، حریم خصوصی از جایگاه

ویژه‌ای برخوردار است. در اسلام، برای حفظ آن، مبانی نیز بیان شده است همانند: آزادی و اختیار انسان در زندگی شخصی (انسان/۳، کهف/۲۹ و یونس/۹۹)، سلطه انسان بر شئون خویش (رعد/۱۱، احزاب/۶، مائده/۲۵ و توبه/۱۱۱)، برخورداری از فضای آرام برای رشد فردی و اجتماعی (تین ۴ - ۵). این مبانی که برگرفته از آیات قرآن و آموزه‌های دینی است، فلسفه احترام به حوزه حریم خصوصی افراد را بیان می‌کند.

مراد از حریم خصوصی، حوزه‌ای است که اشخاص در تصمیم‌گیری آزاد هستند و کسی نمی‌تواند مانع آن شود.

## ۲. قلمرو خارجی

همان‌گونه که در مقدمه گذشت، منظور از قلمرو خارجی ساختار نظام سیاسی این است که محدوده کاربرد قدرت تابع چه عواملی است؟ آیا قدرت ساختار نظام سیاسی محدود به مرزهای زبانی، قومیتی، جغرافیایی یا مرزهای عقیدتی است؟ و یا می‌تواند ترکیبی از اینها باشد.

### (۱) نظریه‌های قلمرو خارجی ساختار نظام سیاسی

درباره قلمرو خارجی ساختار نظام سیاسی الگوهای گوناگونی متصور است. فارغ از اینکه قانلی داشته باشند یا نداشته باشند.

#### الگوی اول: مرزهای قومیتی و زبانی

بر اساس این الگوی، هر قومی با زبان مشترک و یکسان می‌تواند دولتی و نظام سیاسی مستقل از سایر اقوام که زبان‌های دیگری دارند، تشکیل دهند. در این فرض اگر لهجه‌های زبانی را نیز معیاری برای دوگانگی زبانی بدانیم، تعدد نظام سیاسی در کشورهای اسلامی زیاد خواهد شد و مراد از تعدد نظام سیاسی با قلمرو زبانی غیر از ولایات خودگردان تابع حکومت مرکزی است؛ بلکه منظور تشکیل نظام‌های سیاسی مستقل است و نیازی نیست که حتماً فاصله طبیعی بین آنها وجود داشته باشد، به عبارت دیگر ممکن است دو تا شهر با فاصله کم یک دولت مستقل باشند.

در تحلیل و ارزیابی این الگو و اینکه آیا تحقق خارجی داشته است، می‌بایست به گزارشات پیرامون تمدن‌های بشری در طول تاریخ و کتاب‌های تاریخ تمدن مراجعه کرد. بر این اساس چنانچه نظام قبیله‌ای و ساختار قدرتی که بر آن حکمفرما بوده است، خارج از مفهوم دولت بدانیم، این الگو با گستره زبانی و قومیتی در هیچ برهه‌ای از تاریخ نظام‌های سیاسی در هیچ منطقه‌ای محقق نشده است. در واقع معیار زبانی و قومیتی هیچ‌گاه موجب و عامل چندگانگی نظام‌های سیاسی نشده است ولو اینکه به‌طور طبیعی غالب مردم یک نظام سیاسی به زبان واحدی صحبت می‌کنند.



## الگوی دوم: مرزهای جغرافیایی

یکی دیگر از الگوهای ترسیم قلمرو ساختار نظام سیاسی که در دیدگاه‌های برخی از اندیشمندان آمده است، مرزهای جغرافیایی است. با واکاوی در اندیشه‌های افرادی که این الگو را به‌عنوان قلمرو ساختار نظام سیاسی بیان کرده‌اند، می‌توان به دو الگو «الگوی مرزهای طبیعی» و «الگوی مرزهای سیاسی» تقسیم‌بندی کرد:

### الف. مرزهای جغرافیایی طبیعی

مرزهای طبیعی، به مرزی گفته می‌شود که بر اساس ناهمواری‌های که به‌طور طبیعی میان ساکنان دو سرزمین فاصله انداخته است، اطلاق می‌شود. این ناهمواری‌ها می‌تواند رود، دریا، کوه، بیابان، باتلاق و یا کویر باشد که میان دو یا چند کشور فاصله انداخته است. به عبارت دیگر عوامل طبیعی مرزبندی ساختار نظام سیاسی را به وجود می‌آورد و این مرزبندی علاوه بر اینکه وجاهت طبیعی دارد، از توجیهات سیاسی و نظامی خاصی نیز برخوردار است.

برای نمونه: امام الحرمین جوینی «بعد مسافت و وجود موانع» را قلمرو ساختار نظام سیاسی می‌داند. کما اینکه عبد القاهر بغدادی «وجود دریایی که مانع رسیدن نیروهای نظامی کمکی به دولت دیگر گردد» به‌عنوان ویژگی قلمروی ساختار نظام سیاسی بیان می‌کند (القاسمی، نظام الحکم فی الشریعة التاریخی الاسلامی، ۱۴۰۵: ۲۳۶).

بنابراین طبق این الگو، مهمترین قلمرو ساختار نظام سیاسی مرزهای طبیعی است؛ اما این نوع مرزبندی و قلمرو نظام سیاسی از حیث سابقه تاریخی چگونه بوده است آیا مثل الگوی زبانی و قومیتی که تحقق خارجی نداشته است؛ این نوع قلمرو در تاریخ مورد توجه بوده است یا خیر؟ تاریخ تمدن‌ها به خوبی نشان می‌دهد که در سده‌های گذشته قدرت نظام سیاسی بیشتر به مرزهای طبیعی محدود شده بود.

### ب. مرزهای جغرافیای سیاسی

همان گونه بیان شد گاهی قلمرو یک نظام سیاسی از طریق مرزهای طبیعی تعیین می‌شود و گاهی هم به‌وسیله خطوط فرضی و قراردادی که در نظام بین‌الملل به رسمیت شناخته شده، مشخص می‌شود و در جغرافیای سیاسی مورد پذیرش قرار گرفته است. بر اساس این الگو ساختار قدرت متناسب با این قلمرو شکل می‌گیرد و در جغرافیای سیاسی این قلمرو، تابع مؤلفه‌هایی مانند: تعداد نمایندگانه قوه قانون‌گذاری، وسعت سرزمینی، توان و نیروهای نظامی و انتظامی و میزان و وزن تأثیر گذاری کشور در مجامع بین‌المللی است. و از نظر میزان اعتبارش عموماً وابسته به معاهده‌ها و پیمان‌های جهانی است که اغلب کشورها آن را امضاء کرده‌اند.

در یک نقل تاریخی نیز آمده است که معاویه به حضرت علی علیه السلام پس از جنگ صفین نامه می نویسد و در خواست می کند: « اگر خواستی، عراق برای تو باشد و شام و مصر از آن من. » (ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الامم والملوک، ۱۴۱۲ق: ۱۶۳، ابن کثیر، البداية والنهاية، ۱۴۰۷ق: ۳۲۲) تحلیل و ارزیابی این الگو در بررسی دیدگاه های فقهاء اسلام در ادامه بحث خواهد آمد.

### الگوی سوم: مرزهای عقیدتی

بر اساس این الگو مرزبندی ساختار نظام سیاسی بر مبنای عقیده شکل می گیرد و از این رو جهان به دو اردوگاه تحت عنوان دارالاسلام و دارالکفر تقسیم می شود. طرفداران این الگو معتقد هستند همه پیروان دین اسلام باید تحت لوای یک حاکمیت و یک نظام سیاسی در آیند. طبق این دیدگاه محدوده قلمرو نظام سیاسی اسلام به گستره حضور امت مسلمان در جهان خواهد بود. یکی از مباحث مهم در این الگو مفهوم شناسی دارالاسلام و دارالکفر از منظر اندیشمندان اسلامی است که در مبحث قلمرو خارجی ساختار نظام سیاسی از دیدگاه قرآن کریم، در بخش مفهوم شناسی واژه «ارض» در آیات قرآن، مورد واکاوی قرار خواهد گرفت.

البته طرفداران این الگو دو طیف هستند؛ عده ای که مرزهای جغرافیایی را به رسمیت نمی شناسند و قائل به تعدد دولت های اسلامی نیستند و عده ای که مرزبندی جغرافیایی بین المللی را می پذیرند. در بررسی این الگوها به ادله و مبانی هر دو طیف پرداخته خواهد شد.

### الگوی چهارم: ام القری

واژه «ام القری» به شهر مکه اطلاق می شود. در قرآن کریم در آیه ۹۲ سوره انعام ﴿وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنْذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا﴾ و آیه ۷ سوره شوری ﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّتُنْذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا﴾ به همین معنا به کار رفته است.

الگوی ام القری را شاید بتوان در طیف دوم الگوی مرزهای عقیدتی دانست. کسانی که معتقدند قلمرو ساختار نظام سیاسی اسلام مرزهای اعتقادی است؛ ولی مرزهای جغرافیای نیز مورد پذیرش است. به نظر می رسد فلسفه طرح چنین نظریه ای به دلیل برون رفت از تعارض منافع ملی و منافع جهان اسلام بوده است.

این الگو ابتدا توسط عبدالرحمن کواکبی درباره شهر مکه بیان شده است. وی پیشنهاد می دهد کنفرانسی در شهر مکه به عنوان ام القرای اسلام، با حضور اندیشمندان و عالمان جهان اسلام تشکیل شود و برای حل مشکلات جهان اسلام تصمیم گیری شود (نخعی، تراحم منافع ملی و مصالح اسلامی، ۱۳۷۶: ۳۰۴).



پس از عبدالرحمن کواکبی، محمدجواد لاریجانی دکترین ام‌القری را درباره سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ارائه داده است. اساس این نظریه بر این است که اگر کشوری در میان جهان اسلام به‌عنوان ام‌القری شناخته، به‌گونه‌ای که شکست آن، شکست کل اسلام و پیروزی آن، پیروزی کل اسلام باشد، حفظ آن واجب است ولو منجر به تعطیلی احکام اولیه شود (لاریجانی، مقولاتی در استراتژی ملی، ۱۳۶۹: ۲۰).

وی برای دکترین ام‌القری، ارکانی را بیان کرده است که عبارتند از:

الف. جهان اسلام یک امت واحده است. منظور از امت، مردمی هستند که دارای انسجام و وحدت در جهت‌گیری، حرکت و هدف هستند (لاریجانی، کاوش‌های نظری در سیاست خارجی، ۱۳۷۶: ۲۵۶).

ب. ملاک وحدت و انسجام امت، رهبری آن است. بر اساس این ملاک کشوری می‌تواند داعیه رهبری جهان اسلام را داشته باشد که صلاحیت رهبری کل امت اسلامی را داشته باشد و ملاک صلاحیت، ولایت است. در واقع مفهوم ولایت است که سطح رهبری را از مرزهای جغرافیایی فراتر می‌برد (همان: ۴۷).

ج. بر اساس این نظریه اگر تعارضی بین دو مسئولیت رهبری، اتفاق بیافتد، اولویت با مصالح ملت اسلام است، مگر اینکه هستی ام‌القری به خطر بیافتد. در این صورت حفظ ام‌القری بر همه واجب است (همان: ۴۹؛ حقیقت، مسئولیت‌های فراملی در سیاست خارجی دولت اسلامی، ۱۳۷۶: ۷۰-۷۴). به عبارت دیگر در تضاد بین منافع امت اسلام و منافع ملی کشور ام‌القری، اولویت با منافع امت اسلام است. مگر اینکه موجودیت کشور ام‌القری در خطر باشد. در این صورت منافع ملی یعنی منافع کشور ام‌القری مقدم است و در چنین وضعیتی سایر کشورهای اسلامی باید در حفظ آن کوشیده و برای دفع خطر به کمک آن بشتابند.

## تحلیل و بررسی الگوهای قلمرو خارجی

در تحلیل و بررسی الگوهای فوق می‌توان به این نتیجه دست یافت که الگوهای مرزبندی خارجی ساختار نظام سیاسی و دولت اسلامی را می‌توان تحت دو عنوان کلی دسته‌بندی کرد: الگوهای اول، دوم و چهارم در پذیرش «تعدد دولت‌های اسلامی» مشترک هستند و الگوی سوم (مرزهای عقیدتی) بر «عدم پذیرش تعدد دولت‌های اسلامی» تأکید دارد.

البته با واکاوی دیدگاه‌های فقها و اندیشمندان اسلامی این گونه استنباط می‌شود که در مورد قلمرو و مرزبندی سیاسی در جهان اسلام، دو رویکرد متفاوت وجود دارد:

**رویکرد اول:** این رویکرد مربوط به برخی از فقهای متقدم جهان اسلام است که معتقد هستند مرزبندی‌های موجود بر اساس قهر و غلبه به وجود آمده است و مشروعیت ندارد و آنچه مهم است مرزبندی عقیدتی است. منظور از فقهای متقدم به آن دسته از اندیشمندانی قدیمی گفته می‌شود که دیدگاه‌شان متأثر از اندیشه فلسفه جهان اندیشی اسلام است که مبتنی بر فرازمانی و فرامکانی است. از منظر این گروه، جهان به دو قلمرو «دارالاسلام» و «دارالکفر» تقسیم می‌شود و مرزهای جغرافیایی فاقد مشروعیت هستند (فیرحی، نظام سیاسی و دولت در اسلام، ۱۳۸۲: ۵۸).

طبق دیدگاه این دسته از فقها، هیچ‌گاه زور و غلبه نمی‌تواند مشروعیت بخش باشد؛ مگر بر اساس نظر کسانی که قاعده «الحق لمن غلبه» را معتبر و دارای مشروعیت بدانند. بنابراین اسلام به دنبال تشکیل حکومت جهانی است و می‌کوشد تا تمام مرزهای جغرافیایی را که بر اساس نژاد، طبقات اجتماعی، زور و غلبه شکل گرفته است، از بین ببرد (داربکلابی، فلسفه سیاسی اسلام، ۱۳۸۰: ۸۲).

این دسته از فقها بر اساس این رویکرد و برای اثبات دیدگاه خود در تفسیر آیات ۵۵ سوره نور ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾، ۱۰۵ سوره انبیاء ﴿أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ و ۲۸ سوره سباء ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا﴾ بیان می‌دارند: هرگاه واژه «ارض» در قرآن به صورت مطلق آمده باشد، منظور سراسر جهان اسلام است. کما اینکه وعده استخلاف در آیه ۵۵ سوره نور، بر استخلاف بر کل کره زمین دلالت دارد. و تنها یک سرزمین برای قلمرو ساختار نظام سیاسی و حکومت اسلام به رسمیت شناخته می‌شود که از آن به «دارالاسلام» تعبیر می‌شود و این مرزبندی بر مبنای عقیده یعنی اسلام و کفر تعیین شده است (طوسی، المبسوط، ۱۳۶۳: ۳۴۳/۲).

**رویکرد دوم:** در مقابل نگرش اول فقهای متأخر اسلامی قرار دارند که در نظریه سیاسی خود بر پذیرش مرزهای سیاسی و ملی دولت‌ها تأکید دارند. یکی از فقهایی که به پذیرش مرزهای مستقل دولت‌های اسلامی احترام می‌گذارد، امام خمینی ره است. وی در کتاب ولایت فقیه و حکومت



اسلامی و البیع در بحث لزوم تشکیل حکومت بیان می‌دارد: «حفظ مرزهای کشور اسلامی از هجوم بیگانگان و جلوگیری از تجاوزگران عقلاً و شرعاً واجب است.» (خمینی، ولایت فقیه و حکومت اسلامی، ۱۳۷۳: ۳۹-۴۰؛ همو، البیع، ۱۳۶۳: ۶۱-۶۲) (۴۶۲).

این دسته از فقها برای اثبات دیدگاه خود به آیاتی از قرآن که بر دفاع از «دیار» به معنای مرز و بوم دلالت دارد، استدلال می‌کنند.

## ۲) قلمرو خارجی از منظر قرآن

باتوجه به مباحثی که در نظریه‌های قلمرو ساختار نظام سیاسی بیان شد، اینک به بررسی و تحلیل دیدگاه قرآن کریم و آموزه‌های دین اسلام پرداخته می‌شود. در اسلام اصولی وجود دارد که بر اساس آن، قلمرو حاکمیت ساختار نظام سیاسی تعیین می‌شود و بر اساس این اصول صحت و سقم الگوها و نظریه‌هایی که در این باره بیان شده است، به دست می‌آید. در ادامه به تحلیل و بررسی این اصول و همچنین مفهوم شناسی واژه «ارض» از منظر قرآن و «دارالاسلام و دارالکفر» از منظر اندیشمندان اسلامی پرداخته خواهد شد.

### الف. اصول حاکم در ترسیم قلمرو ساختار نظام سیاسی قرآن

در اسلام اصولی برای تعیین محدوده اعمال حاکمیت وجود دارد که با بررسی آنها بر اساس آیات و آموزه‌های دین اسلام، می‌توان به نظریه قرآن در مورد قلمرو ساختار نظام سیاسی دست یافت.

#### ۱- جهان‌شمولی اسلام

آرمان نهایی اسلام رسیدن به امت واحده، از بین رفتن مرزهای جغرافیایی و به وجود آمدن کشور واحد تحت حاکمیت واحد الهی است و یکی از اهداف رسالت پیامبر اسلام ﷺ زمینه‌سازی برای ایجاد جامعه واحد توحیدی بوده است.

قرآن کریم نیز که خود از جامعیت و مرجعیت و جاویدانگی برخوردار بوده و از آیات متعددی همچون (نحل/۸۹؛ انعام/۵۹) این مهم فهمیده می‌شود (صفری و همکاران، مؤلفه‌های مدیریتی قرآن در قصه موسی و خضر، س ۱۳؛ ش ۲۵؛ ص ۲۶۵، ۱۳۹۸)؛ به صراحت بر جهان‌شمول بودن دین اسلام تأکید می‌کند، همانند:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (سبا/۲۸)؛ «و ما تو را جز برای اینکه عموم بشر را (به رحمت خدا) بشارت دهی و (از عذابش) بترسانی نفرستادیم، و لیکن اکثر مردم (از این حقیقت) آگاه نیستند.»

در آیه دیگری از زبان پیامبر اسلام بر رسالت جهانی اسلام تأکید می‌کند:

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا﴾ (اعراف/۱۵۸)؛ «(ای رسول ما به خلق) بگو که من بر همه شما جنس بشر رسول خدایم.»

با بررسی آیات فوق، قلمرو دین و نظام سیاسی اسلام به وسعت کل جهان است و قرآن کریم با عبارات و خطابات همانند: ﴿كَافَّةً لِلنَّاسِ﴾ (سبا/۲۸)؛ ﴿لَا تُذِرْكُم بِهِ وَ مَنْ بَلَغَ﴾ (انعام/۱۹)؛ ﴿لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾ (فرقان/۱)؛ و همچنین شمول احکام الهی برای تمام بشریت، بر جهان‌شمولی قلمرو ساختار نظام سیاسی قرآن تصریح می‌کند و همه این آیات دلیل بر حکومت جهانی اسلام است. قرآن نسبت به تحقق این امر وعده داده است چنانکه می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (انبیاء/۱۰۵)؛ «و ما بعد از تورات در زبور (داود) نوشتیم که البته بندگان نیکوکار من ملک زمین را وارث و متصرف خواهند شد.»

همچنین در آیه دیگر بر حکومت و خلافت جهانی تصریح می‌کند: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ (نور/۵۵)؛ «خدا به کسانی از شما بندگان که (به خدا و حجت عصر<sup>علیه السلام</sup>) ایمان آرند و نیکوکار گردند، وعده فرمود که (در ظهور امام زمان) در زمین خلافتشان دهد، چنانکه امم صالح پیامبران سلف را جانشین پیشینیان آنها نمود.»

بر اساس آیات فوق قلمرو دین به وسعت جهان است و لازمه تحقق احکام دین حکومت جهانی است و باتوجه به این سخن، قلمرو ساختار نظام سیاسی و حاکمیت آن، جهان شمول است.

## ۲- مسئول بودن هر مسلمان نسبت به سرنوشت دیگر مسلمانان

براساس معارف قرآن کریم، همه افراد جامعه نسبت به یکدیگر و در ساحت های گوناگون اجتماعی، مسئول هستند (توبه/۷۱)؛ آغاز شرح وظایف اجتماعی با عنوان امر به معروف و نهی از منکر که اساس و پایه مسئولیت عمومی افراد جامعه در تأمین نیازهای عقیدتی، اخلاقی و معیشتی است، خود گویای اهمیت این مطلب است (زهرا ب و دیگران، باز تعریف قرآنی نظام تأمین اجتماعی و بررسی آثار آن، س ۱۴، ش ۲۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، ص: ۸۱-۱۱۲) از این روست که پیامبر اکرم<sup>صلی الله علیه و آله</sup> درباره مسئولیت همگانی می‌فرماید: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (ورام، تنبیه الخواطر و نزله النواظر، ۱۴۱۰ق: ۶/۱)

با اندک واکاوی در آیات قرآن کریم و روایات معصومین<sup>علیهم السلام</sup> درمی‌یابیم که انسان‌ها نسبت به سرنوشت هم‌کیشان خود مسئولیت دارند. قرآن کریم مسلمانان را «برادر» یکدیگر و نسبت به هم دارای حق متقابل دانسته و در این باره می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ





تَوْحَمُونَ» (حجرات/۱۰)؛ «در حقیقت مؤمنان با هم برادرند، پس میان برادرانتان را سازش دهید.»  
بر اساس این آیه شریفه، قرآن نسبت مسلمانان را به قدری نزدیک کرده است، همانند علاقه دو برادر و این کمال پیوند دو انسان است.

پیامبر اسلام ﷺ سطح پیوند را از این هم بالاتر می‌برد و شرط مسلمانی را در اهتمام به امور دیگر هم‌کیشان خود می‌داند و در روایتی می‌فرماید: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (کلینی، الکافی، ۱۳۶۵: ۲/۱۶۳)؛ «کسی که صبح کند و به امور مسلمانان اهتمام نرزد، مسلمان نیست.»

### ۳- تأثیر نظام سیاسی در سرنوشت انسان

در اسلام بر اساس آیات قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم‌السلام) به عنوان یک سنت الهی، انسان‌ها در سرنوشت خود دخالت دارند و این اصل بر مبانی عدم اجبار آدمی در زندگی استوار است و انسان می‌تواند برای بهزیستی خود تلاش کند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا يَقُومُ حَتَّىٰ يَغْيُرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ (رعد/۱۱)؛ «خدا حال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانی که خود آن قوم حالشان را تغییر دهند (و از نیکی به بدی شتابند).»

این آیه یک سنت و قانون کلی را بیان کرده و یکی از مبانی جهان‌بینی و جامعه‌شناسی در دین اسلام است. بر پایه این قانون، مقدرات هر ملتی در دست خودشان است و هرگونه تغییر به سوی کمال و خیر و همچنین ذلت و بدبختی به دست خودشان خواهد بود. به عبارت دیگر تغییرات در حوزه اجتماع تابع تغییرات درونی مردم است. از این رو آنهایی که علل عقب‌افتادگی خود را در عوامل بیرونی جستجو می‌کنند و عواملی چون استعمار و قدرت‌های سلطه‌گر را علت شکست خویش می‌شمارند، از این اصل غافل هستند. بر اساس آیه شریفه ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾ (انسان/۳)؛ خداوند هدایت را در سرشت و فطرت انسان‌ها نهاده است و اوست که می‌تواند از این مسیر منحرف شود و تغییر کرده و راه شقاوت را انتخاب کند (طباطبایی، المیزان، ۱۴۰۳: ۱۱/۳۱۱)

بنابراین یکی از عواملی که در سرنوشت انسان تأثیر فراوانی دارد، نظام سیاسی و حکومتی است که فرد تحت حاکمیت آن زندگی می‌کند. نتیجه پذیرش این اصل این است که انسان‌ها باید در حکومتی که تأثیر زیادی بر سرنوشت آنها دارد، دخالت و مشارکت داشته باشند. بر اساس این سه اصل قلمرو ساختار نظام سیاسی باید مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. و گستره دخالت خارجی نظام سیاسی اسلام تابعی از این اصول است.

نتیجه بررسی آیات فوق و اصول سه‌گانه این است که دین اسلام، دین جهانی است و انسان‌ها نسبت به سرنوشت دیگر هم‌کیشان خود مسئول بوده و حکومتی می‌تواند مورد پذیرش اسلام باشد که بتواند احکام اسلام را در سراسر جهان تحقق بخشد و لازمه آن این است که قلمرو نظام سیاسی به وسعت نفوذ قوانین و دستورات الهی باشد. با این وجود آیا اسلام تا تحقق امت واحد، مرزهای جغرافیایی را به رسمیت می‌شناسد یا خیر؟ برای پاسخ به این سوال نیاز است مفهوم «ارض» در قرآن و همچنین مفاهیم «دارالاسلام و دارالکفر» در ادبیات اندیشمندان مورد واکاوی قرار گیرد.

#### ب. مفهوم شناسی واژه «ارض» در قرآن

یکی از مباحثی که در ساختار نظام سیاسی باید مورد بررسی قرار گیرد، «قلمرو سرزمینی» حاکمیت نظام سیاسی است. از این‌رو در الگوی ساختار نظام سیاسی قرآن بررسی آن مهم است و علاوه بر اصولی که بیان شد، دانستن مفهوم «سرزمین» در نگاه قرآن در پذیرش یا عدم پذیرش نظریه‌های بیان‌شده در مورد قلمرو خارجی ساختار نظام سیاسی، مهم و ضروری است. از این‌رو در ادامه به مفهوم شناسی واژه «ارض» پرداخته می‌شود. نخست اینکه در قرآن آمده است: ﴿إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ﴾ (اعراف/۱۲۸)؛ «زمین ملک خداست، آن را به هرکس از بندگان خود بخواهد به میراث دهد.» منافاتی با ولایت بر سرزمین توسط اشخاص و دولت‌های اسلامی ندارد.

قرآن کریم در برخی آیات، سرزمین را به ملتی نسبت می‌دهد که در مقابل دعوت انبیاء تصور می‌کنند. آنها هم مانند جباران می‌خواهند سرزمینشان را به تصرف خود درآورند. چنانکه می‌فرماید: ﴿قَالُوا إِنْ هَذَا إِلَّا لَسَاحِرَانِ يُرِيدَانِ أَنْ يُخْرِجَاكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا﴾ (طه/۶۳)؛ «فرعونیان گفتند: این دو تن (موسی و هارون) دو ساحرنده که می‌خواهند به سحرانگیزی خود، شما مردم را از سرزمین خود بیرون کنند.»

در آیه دیگری به مردمی اشاره می‌کند که به تصور اینکه پیامبران همانند سلاطین مزاحم زندگی آنها هستند، آنها را تهدید می‌کردند که از کشور خود بیرون خواهند کرد چنانکه می‌فرماید: ﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا﴾ (ابراهیم/۱۳)؛ «باز کافران به رسولان پاسخ دادند که ما البته شما را از شهر و دیار خود بیرون می‌کنیم، مگر آنکه به آیین ما برگردید.»

در برخی از آیات آمده است که سلاطین از همین حربه استفاده می‌کردند و مردم را علیه پیامبران می‌شوراندند. قرآن کریم در باره فرعون و تحریک مردم علیه حضرت موسی (علیه السلام) می‌فرماید: ﴿قَالَ أَجِئْتَنَا لِنُخْرِجَكَ مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَا مُوسَى﴾ (طه/۵۷)؛ «فرعون گفت: ای موسی، تو آمده‌ای به طمع آنکه ما را از کشورمان به سحر و شعبده خود بیرون کنی؟»



در برخی از آیات قرآن کریم به جای واژه «ارض» از واژه «دار» و «دیار» استفاده شده است همانند: ﴿فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتُّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ﴾ (هود/۶۵)؛ «قوم ناقه را پی کردند، صالح هم گفت که تا سه روز دیگر در منازل خود از زندگی تمتع برید.» و آیه: ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ﴾ (بقره/۲۴۳)؛ «آیا ندیدید آنهایی را که از ترس مرگ از دیار خود بیرون رفتند که هزارها تن بودند.»

همچنین قرآن کریم در آیاتی که جهاد و قتال در برابر متجاوزان را بیان می‌کند از واژه «دیار» استفاده کرده است. مانند: ﴿فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُودُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ﴾ (آل عمران/۱۹۵)؛ «پس آنان که از وطن خود هجرت نمودند و از دیار خویش بیرون رانده شدند و در راه من رنج کشیدند و جهاد کرده و کشته شدند، همانا بدی‌های آنان را ببوشانم.» با واکاوی تعبیراتی که در این آیات به کار رفته است همانند: «ارضکم»، «ارضنا»، «دارکم»، «دیارهم» و «دیارکم» می‌توان مفهوم جغرافیای سیاسی و قلمرو ساختار نظام سیاسی را به دست آورد. و با مراجعه به این آیات می‌توان این نتیجه را گرفت که اختصاص دادن سرزمین به ملتی و یا کشوری، دلیل این حقیقت است که قرآن کریم حاکمیت ارضی کشورها را به رسمیت می‌شناسد. چنانکه در مورد خیانت یهودیان بنی قریظه آیه نازل شد: ﴿وَأَوْثَرْتُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَمْ تَطَّوُّهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا﴾ (احزاب/۲۷)؛ «و شما را وارث سرزمین و دیار و اموال آنها کرد و نیز سرزمینی را که هیچ بر آن قدم (به جنگ) ننهادید نصیب شما گردانید، و خدا بر هر چیز تواناست.» خداوند در این آیه حاکمیت ارضی مردم بنی قریظه، قبل از خیانتشان را به رسمیت شناخته است. در آموزه‌های قرآنی، حاکمیتی که قصد تجاوز به حریم اسلام را نداشته باشند، مورد احترام قرار گرفته است: ﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِ﴾ (ممتحنه / ۸)؛ خدا شما را از آنان که با شما در دین قتال و دشمنی نکرده و شما را از دیارتان بیرون نکردنده نهی نمی‌کند که با آنان نیکی کنید و به عدالت و انصاف رفتار کنید.

### ج. مفهوم دارالاسلام و دارالکفر

واژه «دارالاسلام» و «دارالکفر» در هیچ آیه‌ای از قرآن نیامده و در روایات نیز قاعده‌ای کلی برای شناسایی آن بیان نشده است (کلانتری، دارالاسلام و دارالکفر و آثار ویژه آن دو، ۱۳۷۵: ۳۴). البته روایاتی وجود دارند و فقها خواسته‌اند از آن روایات ضابطه‌ای کلی برای شناسایی محدوده دارالاسلام و دارالکفر به دست دهند؛ از جمله روایت: «عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنِ الْعَبْدِ الصَّالِحِ أَنَّهُ قَالَ: لَا بَأْسَ بِالصَّلَاةِ فِي الْفِرَاءِ الْيَمَانِيِّ وَفِيمَا صُنِعَ فِي أَرْضِ الْإِسْلَامِ. قُلْتُ فَإِنْ كَانَ فِيهَا غَيْرُ أَهْلِ الْإِسْلَامِ. قَالَ إِذَا كَانَ الْغَالِبُ عَلَيْهَا الْمُسْلِمِينَ فَلَا بَأْسَ.» (حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۳: ۲، باب ۵۰، ح ۵).

همان گونه بیان شد فقها بر اساس برداشتی که از این روایت کرده اند، تعاریف متفاوتی از دارالاسلام ارائه کرده اند:

عده‌ای از فقها بر کثرت جمعیت مسلمانان و آزادی آنها در اقامه شعائر اسلامی تأکید دارند (مکی عاملی جزینی (شهید اول)، الدروس الشرعية فی فقه الإمامیة، ۱۴۱۷: ۷۸/۳).

عده‌ای معتقدند دارالاسلام عبارت است از: کشور و سرزمین امت اسلامی و آن قسمت از جهان است که قلمرو اسلام بوده و زندگی در آن تحت نفوذ احکام اسلام است (عمیدزنجانی، فقه سیاسی، ۱۳۷۳: ۲۳۳).

گروهی دیگر بر این باورند که معیار در دارالاسلام بودن، تسلط و حاکمیت سیاسی است. به این معنا که سلطنت و حاکمیت از آن مسلمانان باشد (شیبانی و سرخسی، شرح السیر الکبیر، ۱۹۷۲: ۸-۱۰/۴).

مشکل این نظر این است که اگر بخواهیم محدوده جغرافیایی جهان اسلام را به سرزمین‌هایی محدود کنیم که تحت حکومت اسلامی باشند، در این صورت، با مشکل جدی روبه‌رو خواهیم شد؛ زیرا سرزمین‌هایی که از تحت سیطره حکومت اسلامی خارج شده باشند، دیگر عنوان «دارالاسلام» بر آنها صدق نمی‌کند و حال آنکه سرزمین‌هایی از جهان اسلام تحت سیطره کفار هستند؛ مانند کشمیر هند و یا سرزمین فلسطین که تحت سیطره غاصبان صهیونیستی است و جزء جدانشدنی از جهان اسلام هستند.

بنابراین؛ دارالاسلام، از نظر ما عبارت است از: سرزمینی که بیشتر مردم آن مسلمانانی باشند که در انجام امور دینی خود و اقامه شعائر اسلامی، از آزادی عمل و امنیت جانی و مالی برخوردار باشند و در ابعاد اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جامعه، نفوذی چشمگیر داشته باشند و در مقابل دارالکفر عبارت است از: سرزمینی که همه یا بعضی از شرط‌های یادشده را ندارد.

از بررسی و تحلیل قلمرو ساختار نظام سیاسی از منظر قرآن کریم این گونه می‌توان نتیجه گرفت که تعیین قلمرو ساختار نظام سیاسی از منظر قرآن وابسته به تحلیل درست از اصولی همانند: جهان‌شمولی اسلام، مسئول بودن هر مسلمان نسبت به سرنوشت دیگر مسلمانان و تأثیر نظام سیاسی و حکومت در سرنوشت انسان و همچنین مفهوم شناسی واژه «ارض» در آیات قرآن دارد. از آنچه درباره اصول حاکم در اسلام و تعبیراتی که در آیات به کار رفته است همانند: ارضکم، ارضنا، دارکم، دیارهم و دیارکم، می‌توان مفهوم جغرافیای سیاسی و قلمرو ساختار نظام سیاسی را به دست آورد. و با مراجعه به آیات می‌توان این نتیجه را گرفت قلمرو ساختار نظام سیاسی در قرآن بر اساس آیات به وسعت جهان است و لازمه تحقق احکام دین حکومت جهانی است و این سخن یعنی قلمرو ساختار نظام سیاسی و حاکمیت آن، جهان‌شمول است.



## نتیجه

از مجموع مباحثی که در باب قلمرو داخلی و خارجی ساختار نظام سیاسی بیان شد، می‌تواند این گونه نتیجه گرفت:

۱. قلمرو حکومت‌های معصومانه عام و مطلق است و حوزه حریم خصوصی را نیز شامل می‌شود؛ اما قلمرو حکومت‌های غیرمعصومانه (ولایت فقیه در عصر غیبت) صرفاً در حوزه عمومی و مسائل سیاسی بوده و از حیث وضع قوانین و صدور احکام حکومتی تفاوتی با هم ندارند.

۲. چهار الگو درباره قلمرو ساختار نظام سیاسی متصور است که عبارتند از: الگوی مرزهای قومی و زبانی، مرزهای جغرافیایی که شامل: مرزهای طبیعی و مرزهای سیاسی می‌شود و الگوی مرزهای عقیدتی و ام‌القری.

از بررسی و تحلیل دیدگاه‌های فقها و اندیشمندان اسلامی در جهان اسلام این گونه استنباط می‌شود که درباره مرزبندی سیاسی، دورویکرد متفاوت وجود دارد:

رویکرد نخست: برخی از فقهای متقدم جهان اسلام معتقد هستند، به دلیل اینکه مرزبندی‌های موجود بر اساس قهر و غلبه به وجود آمده است، مشروعیت ندارد؛ بلکه مرزبندی عقیدتی ملاک است. از منظر این گروه جهان به دو قلمرو «دارالاسلام» و «دارالکفر» تقسیم می‌شود و مرزهای جغرافیایی فاقد مشروعیت هستند (فیرحی، نظام سیاسی و دولت در اسلام، ۱۳۸۲: ۵۸)؛ مگر بر اساس نظر کسانی که قاعده «الحق لمن غلبه» را معتبر و دارای مشروعیت بدانند (داربکلائی، فلسفه سیاسی اسلام، ۱۳۸۰: ۸۲)؛ بنابراین از نظر این گروه اسلام به دنبال تشکیل حکومت جهانی است و می‌کوشد تا تمام مرزهای جغرافیایی را که بر اساس نژاد، طبقات اجتماعی، زور و غلبه شکل گرفته است، از بین ببرد. سید قطب از فقهای اهل سنت در این باره می‌نویسد:

«کشور و سرزمین در اسلام ارزش ذاتی ندارد؛ بلکه از نظر اسلام ارزش سرزمین بدان جهت است که شریعت الهی و خواست‌های او حکمفرما باشد.» (حسن‌البناء، سید قطب و ابوالاعلی مودودی، فلسفه جهاد در اسلام، ۱۳۵۹: ۱۰۷).

فقهای که قائل به رویکرد نخست هستند برای اثبات دیدگاه خود به آیات ۵۵ سوره نور، ۱۰۵ سوره انبیاء و ۲۸ سوره سباء استناد می‌کنند و می‌نویسند:

«هرگاه واژه «ارض» در قرآن به صورت مطلق آمده باشد، منظور سراسر جهان اسلام است. کما اینکه وعده استخلاف در آیه ۵۵ سوره نور، بر استخلاف بر کل کره زمین دلالت دارد و تنها یک سرزمین برای قلمرو ساختار نظام سیاسی به رسمیت شناخته می‌شود به نام «دارالاسلام» که بر مبنای عقیده یعنی اسلام و کفر تعیین شده است.» (طوسی، المبسوط، ۱۳۶۳: ۲/۳۴۳).

رویکرد دوم: مربوط به فقهای متأخر اسلامی است که در نظریه سیاسی خود بر پذیرش مرزهای سیاسی و ملی دولت‌ها تأکید دارند. بارزترین آنها امام خمینی علیه السلام است. وی در کتاب ولایت فقیه و حکومت اسلامی در بحث لزوم تشکیل حکومت بر وجوب حفظ مرزهای کشور اسلامی از هجوم بیگانگان و جلوگیری از تجاوزگران تأکید می‌کند (خمینی، ولایت فقیه و حکومت اسلامی، ۱۳۷۳: ۳۹-۴۰). این دسته از فقها برای اثبات دیدگاه خود به آیاتی از قرآن که بر دفاع از «دیار» به معنای مرز و بوم دلالت دارد، استدلال می‌کنند.

۳. دانستن مفهوم «سرزمین» از نگاه قرآن در پذیرش یا عدم پذیرش نظریه‌های بیان‌شده درباره قلمرو خارجی ساختار نظام سیاسی، مهم و ضروری است. نکته مهم این است آیه قرآن ﴿إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ﴾ (اعراف/۱۲۸)؛ «زمین ملک خداست، آن را به هرکس از بندگان خود به میراث خواهد داد.» این موضوع منافاتی با ولایت بر سرزمین توسط اشخاص و دولت‌های اسلامی ندارد. بر این اساس می‌توان سه نوع اراضی را تصور کرد: اراضی ملکی، اراضی کشوری و اراضی عقیدتی و با استناد به آیات قرآن می‌توان مرزبندی جغرافیای را اثبات کرد از جمله:

۱- نسبت دادن سرزمین به ملتی که در مقابل دعوت انبیاء تصور می‌کنند آنها هم مانند جباران می‌خواهند سرزمینشان را به تصرف خود درآورند: «قَالُوا إِنَّ هَٰذَا لَسَاحِرَانِ يَرِيدَانِ أَنْ يُخْرِجَاكُم مِّنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا» (طه / ۶۳)

۲- اخراج پیامبران از کشور خود: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِّنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوذَنَّ فِي مَلِئْنَا» (ابراهیم / ۱۳)

۳- تحریک مردم توسط سلاطین علیه پیامبران مثل تحریک فرعون علیه حضرت موسی علیه السلام: «قَالَ أَجِئْتَنَا لِنُخْرِجَكَ مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَا مُوسَى» (طه / ۵۷)

کاربرد واژه «دار» و «دیار» به جای واژه «ارض»: «فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ هُوَ/۶۵. و «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ» (بقره / ۲۴۳)

۴- استفاده از واژه «دیار» در آیات جهاد و قتال در برابر متجاوزان: «قَالَ الَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ» (آل عمران / ۱۹۵)

۵- به رسمیت شناختن حاکمیت سرزمین یهودیان بنی قریظه: «قَالَ الَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ» (آل عمران / ۱۹۵)

با واکاوی تعبیراتی که در این آیات به کار رفته است همانند: «ارضکم»، «ارضنا»، «دارکم»، «دیارهم» و «دیارکم» می‌توان مفهوم جغرافیای سیاسی به عنوان قلمرو ساختار نظام سیاسی را به دست آورد. به عبارت دیگر قرآن کریم حاکمیت ارضی کشورها را به رسمیت می‌شناسد.



## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید جامعة المصطفی، انتشارات بین‌المللی المصطفی، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۲. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوك، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر، دار الکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۱۲ق.
۳. ابن کثیر الدمشقی، اسماعیل بن عمر، البداية و النهایه، دارالفکر، بیروت: ۱۴۰۷ق.
۴. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، الطبعة الخامسة، داراحیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۰۳.
۵. حسن البناء، سید قطب و ابوالاعلی مودودی، فلسفه جهاد در اسلام، ترجمه محمود خضری، انتشارات اسلامی، تهران: ۱۳۵۹.
۶. حقیقت، سیدصادق، مسئولیت‌های فراملی در سیاست خارجی دولت اسلامی، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، تهران: ۱۳۷۶.
۷. خمینی، روح‌الله، البیع، اسماعیلیان، قم: ۱۳۶۳.
۸. خمینی، روح‌الله، ولایت فقیه و حکومت اسلامی، تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، تهران: ۱۳۷۳.
۹. داربکلائی، اسماعیل، فلسفه سیاسی اسلام، بوستان کتاب، قم: ۱۳۸۰.
۱۰. زهراب، علی، عبداللهی پور، مهدی، نقیب، سید محمد، غضنفری، علی، باز تعریف قرآنی نظام تأمین اجتماعی و بررسی آثار آن، مجله قرآن و علم، سال ۱۴، ش ۲۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۹.
۱۱. شبیانی، محمد بن حسن؛ سرخسی، محمد بن احمد، شرح السیر الکبیر، معهد المخطوطات العربیه، قاهره: ۱۹۷۲.
۱۲. صفری، علی آقا، لطفی، امیر علی، حکیمی، عبد المؤمن، مؤلفه‌های مدیریتی قرآن در قصه موسی و خضر، مجله قرآن و علم، سال سیزدهم، ش ۲۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۸.
۱۳. طباطبائی، سیدمحمدحسین و دیگران، بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، مقاله ولایت و زعامت، صدرا، تهران، ۱۳۹۷.
۱۴. طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، جامعه مدرسین، قم: ۱۴۱۷ق.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن، المبسوط، مرتضوی، قم: ۱۳۶۳.

۱۶. العاملی، جعفر مرتضی، الصحيح من سيرة النبي الاعظم ﷺ، دار الحديث، قم: ۱۳۸۵.
۱۷. عمیدزنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، امیرکبیر، تهران: چاپ دوم، ۱۳۷۳.
۱۸. عمیدزنجانی، عباسعلی، وطن و سرزمین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران: چاپ ۵، ۱۳۶۸.
۱۹. فیرحی، داود، نظام سیاسی و دولت در اسلام، مؤسسه آموزش عالی باقر العلوم، قم: ۱۳۸۲.
۲۰. القاسمی، ظافر، نظام الحكم فی الشريعة التاريخية الاسلامی، دارالفنایس، بیروت: ۱۴۰۵ ق.
۲۱. قمی، علی بن ابراهیم بن هاشم، تفسیر القمی، مؤسسه دارالکتاب، قم: ۱۴۰۴ ق.
۲۲. کاویانی‌راد، مراد، «پردازش مفهوم قلمرو از دیدگاه جامعه‌شناسی»، مجله برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره ۱۷، زمستان ۱۳۹۲.
۲۳. کلاتری، علی اکبر، دارالاسلام و دارالکفر و آثار ویژه آن دو، مجله فقه، سال سوم، شماره دهم، زمستان ۱۳۷۵.
۲۴. کلینی، محمد یعقوب، الفروع من الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران: چاپ سوم، ۱۳۶۷.
۲۵. کلینی، محمد یعقوب، الکافی، تصحیح و تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۶۵.
۲۶. لاریجانی، محمدجواد، کاوش‌های نظری در سیاست خارجی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران: ۱۳۷۶.
۲۷. لاریجانی، محمدجواد، مقولاتی در استراتژی ملی، مرکز ترجمه و نشر کتاب، تهران: ۱۳۶۹.
۲۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفا، بیروت: با تحقیق و تعلیق: محمدباقر محمودی، وزارت ارشاد اسلامی، تهران: ۱۳۶۸.
۲۹. مکی عاملی جزینی (شهید اول)، ابو عبدالله شمس‌الدین محمد بن، الدروس الشرعیه فی فقه الإمامیه، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم: ۱۴۱۷ ق.
۳۰. نخعی، هادی، توافق و تراحم منافع ملی و مصالح اسلامی، دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی، تهران: ۱۳۷۶.
۳۱. ورام، مسعود بن عیسی، تنبیه الخواطر و نزهه النواظر، مکتبه فقیه، قم، ۱۴۱۰ ق.
۳۲. Glassner, M., Political Geography, ۲nd Ed., New York: John Wiley & Sons, ۱۹۹۳.
۳۳. Brownlie, I., Principles of Public International Law, Clarendon Press, ۱۹۹۸.





## Resources

۱. Quran Karim (Translation of the Holy Quran): Translated by Mohammad Ali Rezaei Esfahani and A Group of Professors at Al-Mustafa International University, Al-Mustafa International University Publications, Qom: ۲<sup>nd</sup> Edition, ۱۳۸۸ SH (۲۰۰۹ CE).
۲. Al-Amili, Ja'far Murtadha, Al-Sahih min Sirat al-Nabi al-Azam (P) (The Authentic Source for the Holy Prophet's Sirah), Dar al-Hadith, Qom: ۱۳۸۵ SH (۲۰۰۶ CE).
۳. Al-Qasimi, Zafar, Nezam al-Hakm fi al-Shari'ah al-Tarikhi al-Islami (The System of Governance in Islamic Historical Law), Dar al-Nafa'is, Beirut: ۱۴۰۵ AH (۱۹۸۵ CE).
۴. Brownlie, I., Principles of Public International Law, Clarendon Press, ۱۹۹۸.
۵. Darbikulayi, Isma'il, Falsafa e Siyasi Islam (Philosophy of Islamic Politics), Bustan Ketab, Qom: ۱۳۸۰ SH (۲۰۰۱ CE).
۶. Firahi, Davood, Nezam-e Siyaasi va Dowlat dar Islam (Political System and Government in Islam), Baqir ul-Ulum Higher Education Institute, Qom: ۱۳۸۲ SH (۲۰۰۳ CE).
۷. Glassner, M., Political Geography, ۲<sup>nd</sup> Ed., New York: John Wiley & Sons, ۱۹۹۳.
۸. Haqqiqat, Sayyid Sadiq, Masooliat Fara Milli Dar Siyasat Khareji Dawlat e Islmaic (Foreign Policy Responsibilities of the Islamic Government), Strategic Research Center of the Presidential Office, Tehran: ۱۳۷۶ SH (۱۹۹۷ CE).
۹. Hassan al-Banna, Sayyid Qutb, and Abul Ala Maududi, Falsafa e Jihad dar Islam (Philosophy of Jihad in Islam), Translated by Mahmoud Khazrami, Islamic Publications, Tehran: ۱۳۵۹ SH (۱۹۸۰ CE).
۱۰. Zahrab, Ali, Abdullahipour, Mehdi, Naqib, Seyed Mohammad, Ghazanfari, Ali, Quranic redefinition of social security system and its effects, Quran and Science Journal, Volume ۱۴, Number ۲۷, February ۲۰۲۱.
۱۱. Hurr Amili, Mohammad bin Hassan, Wasa'il al-Shi'a (The Means of Shia), ۵<sup>th</sup> Edition, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: ۱۴۰۳ AH (۱۹۸۳ CE).
۱۲. Ibn Jawzi, Abu al-Faraj Abd al-Rahman bin Ali bin Mohammad, Al-Muntazam fi Tarikh al-Umam wa al-Muluk (The Organized History of Nations and Kings), Edited by Mohammad Abdul Qadir Ata and Mustafa Abdul Qadir, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: ۱۴۱۲ AH (۱۹۹۱ CE).
۱۳. Ibn Kathir al-Dimashqi, Ismail bin Umar, Al-Bidayah wa al-Nihayah (The Beginning and the End), Dar al-Fikr, Beirut: ۱۴۰۷ AH (۱۹۸۷ CE).
۱۴. Kalantari, Ali Akbar, Dar al-Islam va Dar al-Kufr va Athar-e Vizheh-e An Doo (Dar al-Islam and Dar al-Kufr and Their Special Effects), Fegh Journal, Year ۳, Number ۱۰, Winter ۱۳۷۵ SH (۱۹۹۶ CE).
۱۵. Kaviyanirad, Morad, "Pardazesh-e Mafhoom-e Qalamro az Didgah-e Jamai-shenasi (Concept of Territory Processing from a Sociological Perspective)", Barnameh-riazi va Amayesh-e Faza Journal, Volume ۱۷, Winter ۱۳۹۲ SH (۲۰۱۳ CE).
۱۶. Khomeini, Ruhollah, Al-Bay' (Selling), Ismailian, Qom: ۱۳۶۳ SH (۱۹۸۴ CE).
۱۷. Khomeini, Ruhollah, Wilayat al-Faqih wa Hukumat al-Islamiyyah (Guardianship of the Jurist and Islamic Government), Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works, Tehran: ۱۳۷۳ SH (۱۹۹۴ CE).
۱۸. Kulayni, Mohammad Ya'qub, Al-Furu' min al-Kafi (The Branches Section of al-Kafi), Dar al-Kitab al-Islamiyyah, Tehran: ۳<sup>rd</sup> Edition, ۱۳۶۷ SH (۱۹۸۸ CE).
۱۹. Kulayni, Mohammad Ya'qub, Al-Kafi, Edited and Researched by Ali Akbar Ghaffari, Dar al-Kitab al-Islamiyyah, Tehran: ۱۳۶۵ SH (۱۹۸۶ CE).
۲۰. Larijani, Mohammad Javad, Kavish-haye Nazari dar Siyasat-e Khareji (Theoretical Deliberation in Foreign Policy), Scientific and Cultural Publications, Tehran: ۱۳۷۶ SH (۱۹۹۷ CE).
۲۱. Larijani, Mohammad Javad, Maqoulati dar Estrategi-ye Melli (Essays on National Strategy), Center for Translation and Book Publications, Tehran: ۱۳۶۹ SH (۱۹۹۰ CE).

۲۲. Majlisi, Mohammad Baqir, Bihar al-Anwar (The Seas of Lights), Al-Wafa' Institute, Beirut: Edited and Annotated by Mohammad Baqir Mahmoudi, Ministry of Islamic Guidance, Tehran: ۱۳۶۸ SH (۱۹۸۹ CE).
۲۳. Makki Amoli Jazini (Shaheed Avval), Abu Abdullah Shams al-Din Mohammad bin, Al-Durus al-Sharaiyyah fi Fiqh al-Imamiyya (Religious Lessons in Imami Jurisprudence), Islamic Publications of Qom Seminary Treachers, Qom: ۱۴۱۷ AH (۱۹۹۶ CE).
۲۴. Nakhai, Hadi, Tavafoq va Tazahom-e Manafe' Melli va Masa'el-e Eslami (Convergence and Conflict of National Interests and Islamic Interests), Office of International Political Studies, Tehran: ۱۳۷۶ SH (۱۹۹۷ CE).
۲۵. Omid-Zanjani, Abbas Ali, Fiqh-e Siyasi (Political Jurisprudence), Amir Kabir Publications, Tehran: ۲<sup>nd</sup> Edition, ۱۳۷۳ SH (۱۹۹۴ CE).
۲۶. Omid-Zanjani, Abbas Ali, Vatan va Sarzamin (Homeland and Land), Office of Islamic Culture Publishing, Tehran: ۵<sup>th</sup> Edition, ۱۳۶۸ SH (۱۹۸۹ CE).
۲۷. Qomi, Ali bin Ibrahim bin Hashim, Tafsir al-Qomi (Qomi's Exegesis), Dar al-Kitab Institute, Qom: ۱۴۰۴ AH (۱۹۸۳ CE).
۲۸. Shaybani, Mohammad bin Hassan, Sakkaki, Mohammad bin Ahmad, Sharh al-Siar al-Kabir, Institute of Arab Manuscripts, Cairo: ۱۹۷۲ CE.
۲۹. Tabatabai, Sayyid Mohammad Hussein et al., Bahthi Danaraye Marji 'at wa Rohaniyyat: Maqalah Wilayat va Zama 'at (A Discussion on Authority and Clergy: Article of Guardianship and Supervision), Sadra, Tehran, ۱۳۹۷ SH (۲۰۱۸ CE).
۳۰. Tabatabai, Sayyid Mohammad Hussein, Al-Mizan fi Tafsir al-Quran (The Scale in the Exegesis of the Quran), Society of Teachers of Qom Seminary, Qom: ۱۴۱۷ AH (۱۹۹۶ CE).
۳۱. Tusi, Mohammad bin Hassan, Al-Mabsut (The Comprehensive Discussion), Mortazawi, Qom: ۱۳۶۳ SH (۱۹۸۴ CE).